

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

صص ۲۰۳-۲۲۴

واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید*

بهنام حبیب زاده مومن^۱، دکتر اکبر وروایی^{۲*}

۱- دانشجوی دوره دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران و دانشجوی دوره دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، استاد واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

جرایم یقه سفید از جمله جرایمی است که اثرات مخرب آن عملکرد دستگاه کیفری و نهاد قانونگذاری و اجرایی را تحت الشعاع قرار داده است. افزایش فزاینده ارتکاب جرایم یقه سفیدی در کشور با لحاظ اوصاف و ویژگی‌های آن و حجم هزینه‌ی تحمیلی به ارکان جامعه اعمال یک سیاست جنایی کارا و کارآمد را در قبال اینگونه جرایم امری قطعی و مسلم نموده است. حساسیت جامعه به جرایمی چون اختلاس، ارتشا، رانت‌خواری، سوءاستفاده‌های مالی و کلاهبرداری‌های کلان و عمده امروز بسیار قوی و تیز گردیده است و در این راستا حوزه سیاستگذاری کیفری نسبت به جرایم یقه سفید به حوزه سیاستگذاری عمومی نیز کشیده شده است. مطالعه دقیق دلایل افزایش اینگونه از جرایم علیرغم متنوع بودن زراد خانه کیفری از انواع جرم‌انگاری، حتی از نوع مجازات‌های شدید و اینکه این جرایم از کنترل مناسب و کارآمد برخوردار نبوده است ما را به مطالعه دقیق خصایص اینگونه

* نویسنده مسئول dr.akbarvarvaei@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی با عنوان «بررسی عوامل موثر در کارایی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید و ارائه الگوی مناسب» در پردیس علوم تحقیقات واحد کرمانشاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه بوده است.

جرایم و اینکه چه نوع سیاست جنایی و با چه رویکردی که موجبات کنترل، بازپروری، بازدارندگی و ناتوان سازی مجرمین یقه سفید و پرنفوذ در کشور گردد موضوع توجه قرار گرفته است. در برخورد با جرایم یقه سفید ضمن توجه به ارکان سیاسی و اجتماعی جامعه و جرم انگاری هدفمند و غیر جزیره‌ای و مرتبط و انسداد موقعیت و فرصت‌های ارتکاب جرایم یقه سفید در حوزه قانونی و اجرایی، سیاست جنایی عملگرا، چابک و خودداری از برخورد عوام‌گرایانه و تقویت نظام مدیریتی سالم و اعمال نظارت شفاف با استفاده از مشارکت آحاد جامعه می‌تواند به شکل‌دهی برنامه ملی بعنوان الگوی مناسب برای کنترل و کاهش جرایم یقه سفید منجر گردد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، جرم یقه سفیدی، جرم‌انگاری، برنامه ملی پیشگیری.

مقدمه

جرایم یقه سفید از جمله جرایمی است که اثرات مخرب آن عملکرد دستگاه عدالت کیفری را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در نگاهی کلی و بنیادین جرم یقه سفید به عنوان جرم ارتكابی توسط شخصی قابل احترام و دارای موقعیت اجتماعی بالا با استفاده از وضعیت شغلی خود تعریف می‌گردد؛ (بنسون، سیمپسون، ۲۰۰۹، ص ۳۶) به نحوی که افراد موضوع جرم یقه سفید با سوء استفاده از موقعیت شغلی قانونی خود، با ارتکاب اعمال غیرخشن به ظاهر قانونی، منافع غیرقانونی به دست می‌آورند. این جرایم به خاطر پیچیدگی خاص خود و صاحب نفوذ بودن مرتکبان، در بیشتر موارد کشف و تعقیب نمی‌شوند یا به خاطر انحراف روند اجرای عدالت، به سرانجامی نمی‌رسند. لذا تردیدی نیست که در ایران نیز، مجرمین یقه سفید بطور گسترده به فعالیت‌های مجرمانه اشتغال دارند. داستان مهیج جرایمی چون اختلاس، ارتشاء، فساد اقتصادی، رانت‌خواری که از مقولات جرایم یقه سفیدی می‌باشند. از نظر افکار عمومی بسیار قابل توجه و جذاب است و امروزه مخاطبان بسیاری اخبار مربوط به این جرایم را رصد و دنبال می‌کنند و به نوعی شامه مردم برای پیگیری اخبار این جرایم بسیار قوی و تیز گردیده و حساسیت بسیار زیادی را به وجود آورده است. این امر باعث شده است سیاستمداران با درک اهمیت جرایم یقه سفید و حساسیت عمومی به آن در جهت پیشبرد اهداف خود آن را به عنوان مستمسکی در راستای جلب حمایت عمومی و رسیدن به پیروزی‌های انتخابی استفاده نمایند و رنگ و لعاب مصرف سیاسی بحث برخورد با جرایم یقه سفید در شعارهای تبلیغاتی سیاستمداران و جابجایی توجه به جرایم یقه سفید از حوزه سیاستگذاری کیفری به حوزه سیاستگذاری عمومی نمود عینی به خود گرفته است. با این حال، ابهامات و اختلافات نظرهای زیادی در خصوص مفهوم و دایره شمول «مجرمین یقه سفید»

و اینکه نشانگر نوع یا طبقه خاصی از رفتارهایی باشد که دارای اهمیت جرم‌شناختی هستند یا خیر. نه تنها در میان مراجع قضایی و دانشگاهی ملی، بلکه در سطح جهانی وجود دارد.

در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران قوانین و مقررات متنوعی در بحث جرایم یقه سفیدان قابل ذکر است. از این بین می‌توان به قوانینی نظیر قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، قانون راجع به قاچاق کالا و ارز، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی، قانون برگزاری مناقصات، قانون دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی، قانون ارتقا سلامت اداری و مقابله با فساد، قانون مجازات اسلامی، قانون مبارزه با پولشویی و آیین‌نامه‌های آن، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد و قانون برنامه پنجم توسعه و قانون خدمات کشوری و مواردی از این قبیل اشاره کرد. اما سوال اساسی آن است که با وجود قوانین متعدد داخلی وضعیت ارتکاب جرایم یقه سفیدان در کشور به چه شکل است؟ آیا تحقق این دسته جرایم سیر نزولی به خود گرفته است؟ و اینکه آیا سیاست جنایی در قبال جرایم یقه سفید که از کارایی و کارآمدی لازم برخوردار باشد مورد نظر قرار گرفته است؟ با توجه به رخدادهای سیاسی-اقتصادی سال‌های اخیر پاسخ به این سوال نمی‌تواند مثبت باشد. قوانین جاری در مبارزه با جرایم یقه سفیدی از تشتت و ابهام زیاد رنج می‌برند. لذا در این خصوص به نظر می‌رسد با نوعی تشتت و پراکندگی قوانین رو به رو گشته‌ایم به طوریکه علاوه بر خطر تورم کیفری درخصوص جرایم یقه سفیدان، وضعیت حاضر ممکن است منجر به تحلیل رفتن میزان کارآمدی سیاست جنایی کشور در قبال این گونه جرایم نیز شده باشد. البته نباید فراموش کرد که برخی قوانین با توجه به شرایط کنونی قابلیت اجرایی ندارند و با تحولات روز منطبق نیستند. که از جمله این موارد، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ می‌باشد که براساس مفاد ماده واحده آن، اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی یا شهرداری‌ها با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه تبانی ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور شود به حبس تادیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند! و یا قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی که از زمان تصویب آن تاکنون بیش از هشتاد سال گذشته و علاوه بر عدم تناسب بین جرم و مجازات قانون مزبور اشکال جدید از اعمال نفوذ را که در بخش‌های خصوصی همانند بانک‌ها و یا مؤسسات اعتباری خصوصی

ارتکاب می‌یابد را جرم انگاری ننموده است. در این خصوص تردیدی نیست که قوانین مرتبط با جرایم یقه سفید باید از کارایی و تاثیر لازم و بازدارندگی برخوردار باشند و با قوانین و اصول بین‌المللی نیز تعارض نداشته باشند.

در کنار سیاست جنایی تقنینی باید به نوع عملکرد قضات و عوامل موثر در کارایی برخورد با جرایم یقه سفید توجه نمود. در مرحله اجرا عملکرد دستگاه‌های دولتی و نهادهای شبه قضایی نظیر دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کشور و سازمان تعزیرات حکومتی به مراتب در کارکرد نهایی سیاست جنایی کشور در قبال جرایم یقه سفید تاثیرگذار خواهد بود. در این خصوص مساله‌ای که همچون سایر کشورها در ایران نیز بسیار اهمیت دارد بحث چالش‌های تعقیب کیفری مجرمان یقه سفید است که در کنار ضعف دولت‌ها در تقابل با مجرمین یقه سفید موسوم به آقازاده و دانه درشت‌ها، صاحب منصبان، دشواریها و ضعف در اطلاع‌رسانی نیز بر پیچیدگی‌های مساله می‌افزاید. از این حیث می‌توان در برخی جهات پذیرفت که جرایم یقه سفید ارتباط خواسته یا ناخواسته با سیاست‌های دولت‌ها دارند و چه بسا خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی یک دولت در کاهش یا افزایش جرایم یقه سفیدان تاثیرگذار باشد. در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از جرایم یقه سفیدان نظیر پرونده فاضل خداداد، شهرام جزایری، شهردار وقت تهران، مه آفرید خسروی، بدهکار بزرگ نفتی بنام بانک زنجانی، پرونده بیمه ایران و معاون اول رئیس جمهور دولت دهم فساد بانک ملی و ملت و بانک صادرات و بنیاد شهید، صندوق فرهنگیان و موارد بسیار دیگر قابل ذکر است. در هر کدام ردپای دولت یا دولت مردان نیز به چشم می‌خورد و در عین حال به رقم سیاه بالادر این حوزه نیز باید اشاره نمود. این بدان معناست که به واسطه ضعف‌های ساختاری بنیان‌های دولت، و عدم کارایی پیشگیری از این نوع جرایم فضا برای ارتکاب اینگونه جرایم میسر گردیده است. البته در این خصوص نمی‌توان جایگاه استراتژیک رسانه‌ها را نادیده گرفت که در حوزه سیاست جنایی مشارکتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در برخی شرایط رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی واکنش نسبت به مجرمین اینگونه جرایم، سعی در عوام‌گرایی کیفری دارند که البته در برخی موارد با اقتناع وجدان جمعی نیز رو به رو بوده‌اند؛ اما رویکرد رسانه نباید اساسا به پوپولیسم کیفری بینجامد. روشن است رسانه‌ها می‌توانند نقش کلیدی در پیشگیری از جرایم یقه سفید ایفا کنند. نباید فراموش کنیم که عمده سرمایه دولت‌ها اعتماد عامه مردم است و با توجه به خسارت‌های سنگین بر پیکره اقتصادی کشور در صورت عدم برخورد شایسته با این نوع جرایم حکومت‌ها بیشترین ضربه را خواهند خورد. حساسیت مردم نسبت به خبرهای سوءاستفاده‌های مالی مدیران دولتی و اختلاس‌های میلیاردی و فسادهای اقتصادی گسترده و رانت‌جویی و دور زدن قانون و شعارهای

پوپولیستی همچون قطع دستان افراد بانفوذ از رانت‌های موجود زمانی که از یک سیاست جنایی عملگرا و پیش‌بینی شده سرچشمه نگرفته باشد به سمت ناامیدی و یاس از عدم وجود برنامه‌ای جهت برخورد با جرایم یقه سفید سوق داده شده و به نوعی مردم در زمانی که از رسیدگی و پیشگیری از این جرایم ناامید و مایوس شوند نه تنها از شنیدن این اتفاقات شوکه نمی‌شوند بلکه به نوعی به آن عادت نیز می‌نمایند.

وضعیت موجود حاکی از این واقعیت است که مبارزه با مجرمین یقه سفید صرفاً از طریق سیاست سرکوبگرانه کافی نیست؛ بلکه ضرورت دارد ضمن اعمال نظام مدیریتی و نظارتی شفاف و پیشگیری و کنترل جرایم یقه سفید، از بزه‌دیدگان جرایم یقه سفیدی حمایت کافی از جهات مختلف به عمل آید و رویکرد سابق اصلاح گردد. از این رو درصدد خواهیم بود با توجه به مبانی حقوقی - جرم‌شناختی و روش توصیفی به شناخت عوامل موثر بر کارایی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم یقه سفید در حوزه تقنینی، قضایی، اجرایی، و مشارکتی پرداخته شود.

۱. مفهوم حقوقی جرایم یقه سفید و ویژگی‌های مجرمین یقه سفید

نگارندگان در این قسمت در دو قالب دو بند به تبیین مفهوم حقوقی جرایم یقه سفید ویژگی‌های مجرمین یقه سفید خواهند پرداخت.

۱-۱. مفهوم حقوقی جرایم یقه سفید

جرم یقه سفید در اشارات حقوقی و قانونی دلالت بر سوءاستفاده افراد بلندپایه از موقعیت و مقام خود است که بیشتر با جرایم مالی همراه است. بر اساس تفکرات ساترلند جرم‌های یقه سفید بیانگر فعالیت‌های غیرقانونی است که از اشخاص سرشناس و درخور احترام صوری و طبقه بالاتر جامعه سر می‌زند. شغل و موقعیت اجتماعی و اشرافی این دسته از جنایتکاران ایجاب می‌کند که مانند طبقه ممتاز جامعه بهترین و گرانبهارترین لباس با یقه سفید بر تن پوشند و صورت ظاهرشان موجب شود تا مردم به آن‌ها گمان بد نبرند و چپاول و غارتگری را دون‌شان انگارند.

دیدگاه ساترلند بر اساس رویکرد مجرم‌مدارانه از جرم یقه سفیدها بنا شده بود و تعریف ساترلند از جرم یقه سفیدی معروف‌ترین و مؤثرترین نمونه از رویکرد جرم‌مدار نسبت به جرم یقه سفیدی است. تعریف‌های مجرم‌مدار به موقعیت عالی اجتماعی، قدرت و قابلیت احترام شخص مرتکب به عنوان یک ویژگی مهم و اساسی جرم یقه سفیدی تأکید می‌کنند. رویکرد بزهکار محور آقای ساترلند علیرغم

ایرادهایی که دارد به عنوان یک رویکرد پرترفدار باقی مانده است. آلبرت جی ریس و بایدرمن معتقدند «جرائم یقه سفیدی به آن نوع قانون شکنی‌های دارای ضمانت اجرای کیفی گفته می‌شود که متضمن سوء استفاده مرتکب از موقعیت مهم قدرت، نفوذ یا اعتماد در یک نظام سازمانی سیاسی یا اقتصادی مشروع به منظور کسب درآمدهای نامشروع یا ارتکاب رفتاری غیرقانونی برای منافع شخصی یا سازمانی است. (بنسون، ۱۳۹۱، ص ۴۱) در مقابل رویکرد مجرم مدارانه در تعرف جرم یقه سفیدها، رویکرد دیگری وجود دارد که دوربین خود را از شخص مجرم و موقعیت و وضعیت اجتماعی به ماهیت رفتار غیرقانونی چرخانده و رویکرد مجرم‌مدارانه در تعریف جرم یقه سفیدها ارائه می‌دهد. در سال ۱۹۷۰ هربرت ادل هرترز که یک مقام عالی‌رتبه در وزارت دادگستری اریک بود یک تعریف جرم‌مدار بسیار مؤثری را از بزهکاری یقه سفیدی ارائه داد «یک رفتار غیرقانونی یا مجموعه‌ای از رفتارهای غیرقانونی است که با استفاده از وسایل غیرفیزیکی و از طریق کتمان کردن یا حيله و تزویر و با هدف تحصیل پول یا مال یا عدم پرداخت وجه یا خسارت پول یا مال یا تحصیل امتیاز شغلی یا شخصی ارتکاب می‌یابد». این تعریف بزهکاری یقه سفیدی را بر اساس وسایلی که جرم با استفاده از آنها انجام می‌شود به ویژه وسایل غیرفیزیکی که شامل اخفا و کتمان و حيله و تزویر می‌شود تعریف می‌کند. ادل هرترز چهار نوع اساسی از بزهکاری یقه سفیدی را که شامل جرائم شخصی به منظور کسب منافع شخصی، سوء استفاده از تراست شامل اختلاس و رشوه‌های تجارتي، جرائم تجاری که وابسته به فعالیت‌های تجاری بود و بازی‌های فریبکارانه را ذکر نمود. (ادل هرترز، ۱۹۷۰، ص ۲۰-۱۹) خانم سوزان شاپیرو یکی دیگر از طرفداران رویکرد مجرم‌مدارانه در تعریف جرم یقه سفیدهاست. وی پیشنهاد کرد که مفهوم جرم یقه سفیدی از طریق «تفکیک شناسایی مرتکبین از رفتارهای خلاف آنان» آزاد شود. به اعتقاد شاپیرو تعاریف مجرم‌مدار از جرم یقه سفیدی یک چارچوب محصورکننده‌ای را ایجاد می‌کند. (بنسون، ۱۳۹۱، ص ۴۳) در واقع این چارچوب سازی باعث می‌گردد که یک نوع گرایش طبقاتی در برخورد با گونه‌های جرائم یقه سفیدی به وجود آید حال آنکه برخی از گونه‌های جرم یقه سفیدی فاقد خصوصیت پایگاه اجتماعی و قدرت در سطح بالا می‌باشد. و در واقع تعریف جرم‌مدار از جرم یقه سفیدی به موقعیت یا قابلیت احترام مرتکب جرم صرفاً اشاره نمی‌کند و قلمرو جرم یقه سفیدی را توسعه می‌دهد تا شامل فعالیت‌های غیرشغلی اما مالی و به ظاهر مشروع و قانونی گردد که در آن خصوصیت حيله و ثقل و غیر خشونت آمیز بودن ملموس و عینی تر باشد.

یکی از حقوقدانان کشور در تعریف جرائم یقه سفیدی معتقد است که «جرم‌هایی هستند که نوعاً علیه اموال ارتکاب می‌یابد و توأم با حيله و نیرنگ و پنهانکاری است و معمولاً مرتکب اصلی و کسی

که از نتیجه این جرم‌ها منتفع می‌شود در پشت پرده است.» به دلیل اینکه مرتکبین اینگونه جرایم، افراد صاحب نفوذ و موجه نما و ظاهرسازی هستند که با یک سلسله عملیات پیچیده، سعی در مخفی کردن فعالیت‌های مجرمانه خود می‌کنند، لذا تعقیب این جرایم در بیشتر موارد، به راحتی میسر نمی‌شود یا به نتیجه مورد انتظار نمی‌رسد.

(Green, ۲۰۰۴, p۱۲) ژرژ پیکا جرم‌شناس فرانسوی معتقد است که بزهداران یقه سفید افرادی از صاحبان ثروت و قدرت به شمار می‌روند و مرتکب جرایمی می‌شوند که نتایجی وخیم‌تر و فراگیرتر از جرایم توده‌های فقیر دارد. (ژرژ پیکا، ۱۳۷، ص ۷۵).

مجرمین یقه سفید به خاطر نیازهای روزمره مرتکب جرم نمی‌گردند بلکه آنان به دنبال زیاده خواهی و افسون طلبی مرتکب جرم می‌شوند. به خاطر ظاهر موجه و فریبنده مجرمین یقه سفید مجازات آنان نیز با تضاد مواجه می‌شود زیرا با جرایم شدید و وخیم از حیث آثار اقتصادی و اجتماعی و مجرمین خوب و موجه نما روبرو هستیم (friberg, ۲۰۰۰, p۷) در فرهنگ حقوقی بلک نیز در تعریف جرایم یقه سفید آمده «این اصطلاح معمولاً بیانگر قانون شکنی‌هایی است که به اعتبار سوء استفاده از اعتماد و اطمینان و حرفه شخص بزهدکار انجام می‌شوند. این جرایم عموماً فاقد وصف خشونت بار هستند. (سیمپسون، ۱۳۹۲، ص ۷)

این دیدگاه وجود دارد که جرایم یقه سفید بر خلاف جرایم خیابانی و جرایم سنتی بدون استفاده از خشونت یا نیروی عضلانی صورت می‌پذیرد و لذا اینگونه جرایم را جرایم فسفری نام نهاده‌اند که به اعتبار بهره‌گیری از توان فکری و ذهنی است. (nelken, ۲۰۰۰, p۸۵۳)

در تعریفی دیگر آمده است: مجرم یقه سفید به فردی اطلاق می‌شود که با سوء استفاده از موقعیت شغلی قانونی خود، با ارتکاب اعمال غیرخشن به ظاهر قانونی، منافع غیرقانونی به دست می‌آورد. این افراد از پست‌های عمومی خود سوءاستفاده کرده و به نفع خود، از اموال و امکانات عمومی بهره‌برداری می‌کنند. (Wright ۲۰۰۰, p۴۴) آنچه که روشن است در حقوق کیفری ایران تعریفی از جرم یقه سفید یا مجرمین یقه سفیدی ارائه نگردیده است اما مصادیق و گونه‌هایی از جرایم یقه سفیدی با رویکرد جرم‌مدارانه از جرایم یقه سفید در قوانین کیفری در ادبیات حقوقی کشورمان ملموس و عینی می‌باشد.

بسیاری معتقدند در بررسی ویژگی جرایم یقه سفید، وجه تمایز اصلی، ویژگی «مرتکبان» این جرایم است نه خود «جرایم»؛ یعنی موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی، آن‌ها را از سایر مجرمین متمایز می‌کند. برخلاف بسیاری از جرایم به اصطلاح سنتی و یا یقه آبی نظیر سرقت توأم با آزار و ضرب و جرح و قتل که آثار آشکار فیزیکی در جامعه دارند مجرمین یقه سفید اغلب آثار قابل رویتی از خود باقی نمی‌گذارند و حتی قربانیان جرم نیز ممکن است متوجه جرم ارتكابی علیه خود نباشند. فریب یکی از خصوصیات برجسته در انجام جرایم یقه سفیدی است و خصوصیتی است که کنترل جرم یقه سفیدی را بسیار مشکل می‌نماید. بنابراین مجرمین یقه سفید با استفاده از نیرنگ و فریب با ظاهرسازی به رفتار مجرمانه خود ظاهری قانونی می‌دهند و بنابراین تلاش برای کنترل جرم یقه سفیدی باید با مساله کشف و شناسایی جرم شروع شود. خصوصیت مهم دیگر مجرمین یقه سفیدی عبارتند از دسترسی قانونی و مشروع بزهکار به هدف یا قربانی یا سبیل جرم است. بنابراین بزهکاران در مورد دسترسی به سبیل‌های جرایم ارتكابی به دلایل مختلف همچون بی‌نظمی و یا اعتماد بیش از اندازه و فرصت پیش‌رو و عدم کنترل یا کنترل ناقص نگرانی ندارند.

برخی تلاش کرده‌اند با ارائه تعریفی متفاوت، ویژگی‌های این جرایم را صرف نظر از مرتکبین مشخص نمایند:

یک عمل یا پاره‌ای از اعمال غیرقانونی که با توسل به حيله و مخفی کاری و بدون استفاده از زور فیزیکی برای تحصیل پول یا مال یا مزایای شغلی ارتکاب می‌یابند. رشد علاقه عمومی به جرایم یقه سفیدان با لحاظ ویژگی‌های خاص آنان در دهه ۱۹۷۰ به دلیل انتقادات وارد بر نظام عدالت کیفری در آمریکا با گزارش کمیسیون ریاست جمهوری در مورد اجرای قانون و اجرای عدالت در سال ۱۹۶۵ آغاز شد که معتقد بود نظام عدالت کیفری آمریکا پرجمعیت، پرکار، فاقد نیروی انسانی کافی و اغلب پراشتباه است. سامانه کیفری نیازمند اطلاعات و تخصص بیشتر است. افزون بر این نظام عدالت کیفری نیازمند توجه به روش‌های نوین جهت کسب تجربه و تقویت، همکاری میان نهادی است.

پلیس آمریکا با لحاظ ویژگی‌های اختصاصی مجرمین یقه سفید خصوصیات مشابه به دست داده است: «آن دسته از اعمال غیرقانونی که با فریب، مخفی کاری یا سوءاستفاده از اعتماد از سایر جرایم متمایز می‌گردند و به استفاده از زور فیزیکی یا خشونت یا تهدید به آن، متکی نیستند. افراد و سازمان‌ها به منظور تحصیل پول، مال یا خدمات یا برای اجتناب از پرداخت پول یا از دست دادن پول یا خدمات یا برای تضمین نفع شخصی یا شغلی مرتکب آن می‌شوند. در بسیاری از موارد قبول این فرض که انگیزه زیربنایی جرایم یقه سفید مالی است درست است. در واقع انگیزه بزهکاران یقه سفید غالباً بر

اساس یک یا چند تا از اهداف چهارگانه شکل می‌گیرد. ۱- تامین منفعت مالی خودشان، ۲- تامین منافع مالی یا موقعیت رقابتی شرکت یا کارفرما، ۳- ماندن در تجارت و شغل یا اجتناب از آن، ۴- از دست دادن دارایی‌های مالی و مادی (ال بنسون، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

تردیدی نیست که مخفی‌کاری یکی از ویژگی‌های مهم جرایم یقه سفیدی است؛ بدین معنی که مرتکبین، فعالیت‌های غیرقانونی خود را علنی نمی‌کنند، بلکه سعی می‌کنند ظاهر قانونی و موجه به فعالیت‌های خود بدهند. برخلاف فعالیت‌های تروریستی که در صدد جلب توجه و ایجاد وحشت در جامعه هستند، مجرمین یقه سفید با ناشناخته ماندن فعالیت‌های غیرقانونی خود، بهتر می‌توانند رشد کنند.

لازمه مخفیانه بودن عملیات، حداقل توسل به زور فیزیکی است؛ از این رو این اشخاص به جز در موارد خیلی استثنایی و ضروری، متوسل به خشونت نمی‌شوند. فریب و حيله و همچنین تزویر و ظاهرسازی نیز در بطن رفتار آنان نهفته است و جزیی از مخفی‌کاری تلقی می‌شود. نهایتاً جرایم یقه سفیدی با هدف نهایی کسب ثروت یا مزایای شغلی بیشتر به طرق غیرقانونی ارتکاب می‌یابند. (Freiberg, ۲۰۰۰, p۲۴) قوه تخیل بزهکاران یقه سفید تا اندازه‌ای نامحدود است و ترفندهای متقلبانه‌ای طرح‌ریزی می‌کنند و آنان با سرعتی زیاد جذب نهادهایی جدید می‌شوند که توسط قانونگذار در حوزه‌های اقتصادی و مالی به وجود می‌آیند و با استفاده از تسهیلاتی که در این نهادها برای تجارت مشروع ارائه می‌دهند این تسهیلات را به نفع خود می‌ریزند. به عنوان نمونه دولت با قانونگذاری در حوزه‌های حمایتی از سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی مبادرت به اعطای وام‌های با بهره و کارمزد بسیار پایینی می‌نمایند و افراد مطلع و فرصت‌طلب این موقعیت ایجاد شده و این صندوق‌ها را راهی برای دریافت وام‌های کلان قرار داده و مبالغ فوق‌العاده را ضمن تطمیع مدیران نظام بانکی و پولی از طریق رشوه و یا امتیازهای دیگر اخذ و برای فعالیت‌هایی غیر از آنچه مدنظر قانونگذار بوده استفاده می‌نمایند و ضمن کسب سودهای بادآورده اثر منفی نیز در اقتصاد ایجاد می‌نمایند. کما اینکه نمونه‌های متعددی از دریافت تسهیلات از صندوق‌های ذخیره ارزی و یا صندوق‌های حمایت از تولیدکنندگان و بانک‌های دولتی که با سود و کارمزدهای بسیار پایین که خود رانت ویژه‌ای را ایجاد می‌کند در کشور ما ملاحظه می‌شود که افراد با ویژگی‌های یقه سفیدی و گاه‌ها با ارائه اسناد غیرواقعی و مانورهای متقلبانه آن‌ها وجوه و تسهیلات را دریافت و بسیاری از آن‌ها در محل‌هایی غیر از تولید و سرمایه‌گذاری هزینه شده و کشور را با حجم وسیعی از تسهیلات ارائه شده و وصول نشده مواجه نموده است. در حقیقت اشخاص یقه سفید همواره به دنبال ارتباط‌گیری و جلب منفعت از طریق رانت‌های قدرت و

ثروت و کارگزاران دولتی هستند و به انحاء مختلف این اشخاص سعی در نزدیک شدن به این مراکز جهت تحقق اندیشه مجرمانه و فعلیت بخشیدن به تفکر مجرمانه خویش هستند. آنان با ایجاد دوستی با اشخاص مختلف همچون نمایندگان مجلس و یا مدیران دولتی و قضایی ارائه سیمایی موجه از خود و از طریق وسایل متعدد و حتی با ظاهرسازی دینی و با کمک به مراکزی چون خیریه‌ها و مساجد از آنان برای رسیدن به اهداف خویش استفاده می‌نمایند و گاه آنان را نیز با خود همراه و با وعده و وعیدهای مختلف و تطمیع آنان شبکه‌ای گسترده از اشخاص و افراد حامی برای خود ایجاد می‌نمایند.

رئیس سازمان بازرسی کشور در خصوص ویژگی‌های مجرمین یقه سفیدی می‌گوید «جرم یقه سفیدی حاکی از درک عمیق بزهکاران این گونه جرایم و نیز جهات ضعف علمی و عملی بزه‌دیدگان است. او می‌افزاید جرم یقه سفیدی ابتدا در فعالیت‌های شغلی مشروع در سطحی گسترده ریشه دارد و پس از مدتی ضمن اعتمادسازی‌های دروغین، رشد می‌یابد و پیشرفت‌های اقتصادی و تحولات اجتماعی نیز به این نوع جرایم دامن می‌زند. بزهکار یقه سفید با استفاده از اقتدار و وجاهت اجتماعی و سیاسی بالا و در ظاهر فریبنده و استعداد فکری خود به ارتکاب جرایمی همچون اختلاس، پولشویی، جعل، بزه‌های کلان مالی و جاهت بخشی صوری به درآمدهای نامشروع خود دست می‌زند». (سراج، ۱۳۹۴: ۱۹) یکی از اساتید حقوق کیفری در خصوص ویژگی‌های مجرمین یقه سفید معتقد است «این افراد از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند و جرایم خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که هیچ اثر و ردپایی از خود باقی نمی‌گذارند و ظاهرش را طوری تنظیم می‌کنند که نشود منبع مجرمانه را در این خصوص پیدا کرد. وی معتقد است اقدامات مجرمین یقه سفید توأم با ظرافت و احیاناً تیزهوشی است». (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶۳) رئیس وقت کانون وکلا دادگستری مرکز آقای دکتر نجفی توانا در خصوص ویژگی‌های مجرمین یقه سفید ضمن اینکه معتقد است یقه سفیدها را به دو گروه یقه سفیدها و یقه طلایی تقسیم باید نمود معتقد است «معمولاً در کشور ما مصداق بارز (جرایم یقه سفید) جرایم مواد مخدر، قاچاق، ارتشا، اختلاس، رانت‌خواری و کلاهبرداری‌های کلان و جعل‌های مربوط به جرایم‌های سنگین را معمولاً منتسب، افرادی می‌کنند که در موقعیت اجتماعی و اعتقادی بالایی هستند و یقه طلایی‌ها از لحاظ اداری و مالی یا از لحاظ روابط رانتهی در سطح بسیار بالایی قرار دارند و خود کمتر درگیر جرایم هستند معمولاً واسطه‌هایی دارند که این واسطه‌ها ظاهراً به نام خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند، پشت پرده یقه طلایی قرار دارند که یا در موقعیت‌های اداری یا در ارتباط با مقامات اداری بالای کشور قرار داشته و با سوءاستفاده از ارتباطاتی که دارند درآمدهای سنگین را از طریق واسطه‌ها یا افراد واسطه که نماینده آنان هستند مرتکب می‌شوند البته در میان این‌ها افرادی هم هستند

که تحت عنوان تجارت در صنعت نفت یا در سایر روابط اقتصادی مثل و ادارات و صادرات و با سوءاستفاده از اطلاعات و ارتباط موفق به کسب درآمدهای غیرمشروع فراوان می‌شوند.» (نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۱۳) دادستان عمومی و انقلاب تهران به عنوان یک مقام قضایی که مواجهه عملی با مجرمین یقه سفید داشته در خصوص ویژگی‌های مجرمین یقه سفید در کشور معتقد است «مجرمان یقه سفید کسانی هستند که ظاهری موجه و باطنی فاسد دارند، افراد فرصت طلبی هستند که از طریق وابستگی به مقامات و مسئولان حکومتی یا با خوش خدمتی به آنان در ارکان قدرت نفوذ کرده و از این طریق موجبات برقراری ارتباط با مراجع قدرت شامل مقامات دولتی، انتظامی و قضایی را فراهم می‌آورد.» (جعفری دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۵) این ایده که مجرمان یقه سفید مجرمان پرنفوذ هستند مورد تأیید این مقام قضایی بوده و اذعان می‌نماید که ورود و نفوذ مجرمان یقه سفید به لایه‌های درونی حکومت‌ها هر گونه تحرک و اعلام جرم علیه آنان با واکنش جدی برخی مسئولان مواجه خواهد شد. نکته مورد اشتراک در نظریات ارائه شده در خصوص ویژگی‌های مجرمین یقه سفید را می‌توان خصوصیات فریب کاری و ظاهرسازی و سوءاستفاده از اعتماد و وجود استعداد فکری بالا و ارتباط با مقاماتی مربوط به حاکمیت و به طبع درک و کشف سریع نقاط آسیب‌پذیر قانونی و نفوذ در ارکان قدرت و مدیریت منابع مالی بیان نمود.

۲. سیاست جنایی در قبال جرایم یقه سفید از نظر مراجع سیاست گذاری

سیاست جنایی از نظر مراجع سیاست گذاری به چهار نوع تقسیم می‌شود: سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی.

۱-۲. سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی نوع خاص سیاست جنایی می‌باشد که از کل شبکه‌های ضمانت اجراها برخوردار است، استراتژی و راهبرد افتراقی محسوب می‌شود که هسته اصلی آن قانون جزا است (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۷۳)

منظور از سیاست جنایی تقنینی اعمال سیاست جنایی در فرآیند تقنین است و به معنای دقیق کلمه، تدابیر و اقداماتی که در هنگام قانونگذاری به منظور سرکوبی بزهکاران و پیشگیری از جرم به عمل می‌آید سیاست جنایی تقنینی نامیده می‌شود. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴)

فرایند قانونگذاری جرایم یقه سفیدی در ایران تحت تاثیر تفکرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مختلف و وجود بحران‌هایی تحمیلی چون جنگ و تحریم سیاسی و اقتصادی و حتی وقوع انقلاب اسلامی، مسیرهای متفاوت و گاهی متضاد را طی می‌نماید. قانونگذار ایران در سال‌های اخیر گرایش به افزایش متون قانونی و به ویژه متون کیفری داشته است. بررسی عملکرد قانونگذار ایران در گذشته حاکی از این است که تصویب قوانین کیفری همیشه به عنوان بهترین و ساده‌ترین راه‌حل مبارزه با بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی شناخته شده است. (آزمایش، ۱۳۸۰، ص ۳۱) هر چند که از نظر قانونگذار این روند مقابله با بزهکاری را سامان می‌دهد. اما در حقیقت حجم زیاد زرادخانه کیفری و مخصوصاً متون کیفری که دارای انسجام لازم نیز نمی‌باشد خود می‌تواند جرم زا باشد. چرا که بزهکاران یقه سفید که از قدرت انطباق‌پذیری بالا و پختگی مجرمانه برخوردارند می‌توانند بدلیل تنوع، تناقض و اجمال قوانین از مجازات فرار کرده و ضمانت اجرای قوانین کمرنگ جلوه داده می‌شود. جرم‌انگاری جرایم یقه سفید در دیدگاه مقنن با ایده سرکوبگری و امنیتی و با هدف تشدید مجازات و تدابیر قهرآمیز صورت پذیرفته و توسعه کیفیات مشدده، سلب اختیارات قضات در اعمال کیفیات محففه و افزایش موارد و مدت بازداشت موقت و تعیین صلاحیت ویژه برای محاکم تغییر ماهیت جرم ساده به جرایم شرعی و تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض و فاصله گرفتن از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها گفتمان مقنن را یک نوع گفتمان امنیت مدار و صرفاً دولتی نموده و تأمین امنیت جامعه برخورد شدید و اعمال مجازات‌هایی همچون اعدام و حبس‌های طولی‌المدت را با بزهکار توجیه نموده است. همچنین عدم جرم‌انگاری صحیح و یا عدم جرم‌انگاری اشکالی از جرایم یقه سفید از جمله اختلاس در بخش‌های خصوصی یا اعمال نفوذ افراد پرنفوذ و فاسد در مؤسسات مالی و بانکی در خصوص خود موجب بی‌کیفری و ناکارآمدی سیاست جنایی کشور می‌تواند باشد، کما اینکه یکی از اساتید حقوق کیفری در خصوص این دیدگاه که مجرمان یقه سفید ۱۰ قدم از قانونگذاران جلوتر هستند و در این گونه جرایم خلأ قانونی بارز است! معتقد است «من با این نظر خیلی موافق نیستم و معتقدم از لحاظ قوانین کمبودی نداریم و قوانین تقریباً در حدی که لازم بوده قانونگذار پیش‌بینی کرده است نمی‌خواهم بگویم خلأ نداریم قطعاً خلأهایی داریم خیلی از قوانین مربوط به ارتشا و اختلاس نیازمند اصلاح است. و مفاد قوانین داخلی ما با مفاد کنوانسیون (برید ۱) خیلی هماهنگ نیست. (میرصادقی، ایران، ۹۴) همچنین تشتت و پراکندگی در قانونگذاری و به روز نبودن قوانین با لحاظ ویژگی‌های خاص جرایم یقه سفیدی می‌تواند عواملی مؤثر در عدم کارایی سیاست جنایی تقنینی حاکم باشد.

هر چند که در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقنن اصل را بر رشیدگی علنی در دادگاه‌ها قرار داده است لکن تعیین استثناهایی توسط قانونگذار گاهی خود اصل علنی بودن را محدود و از اعتبار آن می‌کاهد، اینکه دادگاه می‌تواند قرار غیرعلنی بودن رسیدگی را به دلیل اخلال در امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی صادر نماید خود می‌تواند عاملی قانونی در عدم اطلاع رسانه‌ها و مردم از ماهیت، موضوع و دلایل ارتکاب جرایم آن هم جرایم یقه سفیدی که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بسیار گسترده‌ای دارد باشد و به نوعی موجب محرومیت جامعه و آگاهی آنان از روند رسیدگی قضایی و عدم مشارکت پذیری آنان گردد. معاون اول قوه قضائیه نیز ضمن انتقاد به خلل قانونی در انتشار مشخصات متهمین جرایم یقه سفیدی و اقتصادی معتقد است «یکی از عواملی که باعث کاهش جرم می‌شود معرفی مجرم به جامعه است فردی بیش از هزار میلیارد تومان را که با دوز و کلک برده حالا می‌خواهیم معرفی کنیم می‌گوییم «ج. م.» خب این یعنی چه؟ مردم مسخره می‌کنند. اگر قانون اجازه می‌داد که معرفی شوند هم به نفع مردم و پلیس و قوه قضائیه بود هم به ضرر مجرم؛ دادگاه علنی است اما نه خبرنگار می‌تواند چیزی منتشر کند، نه رسانه ملی اجازه دارد چیزی پخش کند این اشکال قانون است. (محسنی اژه‌ای، تابناک، ۱۳۹۵)

۲-۲. سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکردهای دادگاه‌های دادگستری منعکس و مندرج است (لازرژ، ص ۱۰۵).

این سیاست جنایی می‌تواند متأثر از رویه قضایی، بخشنامه‌ها دستور العمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد. تفسیر قوانین و مقررات جزایی در زمان و مکان، متغیر و متفاوت است. درک متفاوت از قوانین و پیام‌های سیاست جنایی تقنینی و قضایی، عملکرد متفاوت دادگاه‌ها، اجرای متفاوت قوانین بوسیله قضات و ضعف امکانات ساختاری و ماهوی، مجموعاً می‌توانند در بررسی و تاثیر بر یک سیاست جنایی قضایی مدرن و قانون‌مدار، حایز اهمیت فراوان باشند.

نکته قابل تأمل در نحوه عملکرد مقامات قضایی در مواجهه با جرایم یقه سفید فاصله گرفتن قضات در برخی مواقع از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تغییر عنصر مادی و قانونی جرم ارتكابی به جهت وجود ابهام در متون قانونی است و به عنوان مثال برای تشخیص اینکه عمل مرتکب مصداق اخلال در نظام منجر به افساد فی الارض بوده یا خیر به اخذ فتوای شرعی از فقها کشیده شده است کما اینکه در پرونده یکی از مجرمین یقه سفید بنام مه‌آفرید امیرخسروی در دادنامه صادره

دادگاه برای دگرگون کردن عنصر مادی جرم پرداخت رشوه و منطبق ساختن با عنوان افساد فی الارض ناگزیر به فتاوی مراجع تقلید استناد کرده است. در صفحه ۱۳۹۴ دادنامه صادره از سوی دادگاه انقلاب سؤالی از مراجع پرسیده شده که «آیا شخص یا اشخاصی که با تبانی و مشارکت، مرتکب کلاهبرداری و یا اختلاس و ارتشاء چند صد میلیونی و یا میلیاردی می‌شوند را می‌توان مفسد فی الارض دانست؟» و اینکه آیا تلقی عنوان افساد فی الارض در جرایم مالی سنگین و عمدۀ منوط به وجود قصد صریح و منجز برای اقرار به نظام اسلامی یا مقابله با حکومت اسلامی است؟ یا اینکه صرف علم و آگاهی ضمنی نسبت به نقض قوانین و نظامات دولتی و تضييع حقوق عام کفایت می‌کند» (کاشانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱) حال موضوع قابل توجه این است که جایگاه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در سیاست جنایی تقنینی و در نزد مقامات قضایی کجاست؟! آیا قضات ما مجاز هستند با وجود قوانین صریح به دنبال منابع فقهی یا فتاوی فقیهان بروند. برخی از فقها بدون آنکه امکان مطالعه و بررسی اسناد و مدارک پرونده را پیدا نمایند در مقام پاسخ مطالبی را عنوان داشته‌اند از جمله آیت الله مکارم شیرازی اظهار نمودند «در صورتی که این کار تولید مفسده گسترده و مهمی در سطح جامعه کرده باشد و به نظام اسلامی لطمه بزند مفسد فی الارض است. قصد افساد فی الارض شرط نیست بلکه قصد مصداق آن کافی است» همچنین آیت الله نوری همدانی در پاسخ ذکر نمودند «در مواردی که ذکر نموده‌اید چنانچه موجب فساد وسیع در جامعه و تضعیف حکومت اسلامی گردد از مصادیق مفسد فی الارض به حساب می‌آید و قصد هم لازم نیست. نکته قابل تأمل در پاسخ فقها توجه به ایراد لطمه به نظام اسلامی و تضعیف حکومت اسلامی است» که در حقیقت تلقی حفظ حکومت و امنیت‌گرایی را در سیاست جنایی حتی در دیدگاه فقها نیز دیده می‌شود و در واقع قضات در برخی از مواقع با وجود تصریح قانون به دنبال منابع فقهی و یا فتاوی فقیهان رفته و به دنبال توجیه شرعی آراء صادره خود می‌نمایند که حتی مورد اعتراض متهم نیز قرار گرفته و در قسمتی از دفاعیات خود می‌گویند «مرا اعدام کنید این کار را انجام دهید ولی از مراجع بزرگواری چون آقایان مکارم شیرازی، علوی گرگانی و نوری همدانی هزینه نکنید. اگر بنده طبق قانون مجرم هستم و این حکم قانوناً قابل اجرا می‌باشد چرا از مراجع هزینه کرده‌اید». (کاشانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲) بدین ترتیب می‌توان گفت سیاست جنایی قضایی نیز بر سیاست جنایی تقنینی تاثیر می‌گذارد و گاه فرآیند قانونگذاری را به حرکت در می‌آورد. در عین حال این نکته نیز باید اشاره نمود یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر نیازمند هماهنگی و انسجام قوه قضائیه و قوه مجریه و مقننه است که گاه‌آ این انسجام و هماهنگی علاوه بر اینکه دیده نمی‌شود بعضاً به تقابل قوا نیز کشیده می‌شود که به نوعی به مشکل ساختار تفکیک قوا در قانون اساسی نیز مرتبط است.

رئیس قوه قضائیه خود را در قبال مجلس پاسخگو نمی‌داند و خود را جز در مقابل مقام رهبر مسئول قلمداد نمی‌کند این عدم پاسخ‌گویی آن هم در نحوه عملکرد و مدیریت قضایی که ارتباطی به استقلال در رسیدگی قضایی هم ندارد خلعی ساختاری است که می‌تواند به اصلاح قانون اساسی و پیشنهاد امکان استیضاح رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری به کارایی سیاست جنایی کمک نماید. نکته قابل توجه این است که نوع عملکرد قضات در رسیدگی به پرونده‌ها از عوامل متعددی متأثر می‌گردد. چه بسا استقلال یا عدم استقلال قضات آن هم در رسیدگی به جرایم ویژه همچون جرایم یقه سفید که همواره با اعمال نفوذ و فشار مراجع رسمی و غیررسمی همراه است در یک دادرسی عادلانه نقش مؤثر ایفا نماید. اصل بی‌طرفی و استقلال کامل مقام قضایی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مواد ۳۹ و ۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و در ماده ۳ و ماده ۹۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده ۳ از قانون مذکور ضمن اشاره به بی‌طرفی و استقلال کامل مقام قضایی در رسیدگی به جرم به شاخصه‌هایی چون رسیدگی در کوتاه‌ترین مدت، پیشگیری از اختلال در رسیدگی و اعمال اقدامات و تدابیر و سیاست‌های قضایی مناسب برای جلوگیری از طولانی‌تر شدن فرآیند دادرسی تأکید شده است. همچنین یکی از ابزارهای لازم برای اجرای سیاست جنایی قضایی کارآمد وجود در حوزه جرایم یقه سفیدی پاکدستی و سلامت در قضات رسیدگی کننده است، در توصیه به قوه قضائیه همچنانکه مقام رهبری معتقد است «کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن برخوردار از سلامت و امانت بسپارید و دستی که می‌خواهد با ناپاکی بیفتد باید پاک باشد. یکی از اساتید حقوق کیفری معتقد است «مشکلی که در مواجهه با جرایم یقه سفید وجود دارد وجود ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های بیگانه و بی‌مورد است^۵ این نوع مصلحت‌اندیشی‌ها باعث ایجاد مشکلاتی می‌شود علی‌الخصوص که افرادی که می‌خواهند به این امور رسیدگی کنند پاکدستی لازم را نداشته باشند و در نتیجه ترس و واهمه داشته باشند که اگر بخواهند به این موارد رسیدگی کنند احتمالاً طرف مقابل با توجه به برگ برنده‌هایی که از او دارد می‌تواند نکاتی را رو کند و باعث آبروریزی این افراد شود. (میرصادقی، ایران، ۱۳۹۵) تاثیر اعمال اختیارات قانونی و نیز رویه عملی و نحوه‌ی مدیریت رئیس قوه قضائیه بویژه از طریق صدور بخشنامه‌ها خطاب به دادسراها، دادگاه‌ها و سازمان زندان‌ها) با تأکید بر حسب‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی و اعطای مرخصی به محکومان و یا رسیدگی با شدت و قاطعیت و یا تعیین شعب ویژه و یا قضات ویژه که بیشتر در زمینه جرایم یقه سفید نمود عینی دارد می‌تواند به عنوان عملکرد اثرگذار در سیاست جنایی قضایی محسوب گردد.

۲-۳. سیاست جنایی اجرایی

در بسیاری از منابع علمی سیاست جنایی اجرایی ناظر به تدابیر و اعمال (پیشگیرانه و سرکوبگرانه) قوه مجریه در پاسخ به پدیده مجرمانه قید شده است. آنچه در مورد جایگاه قوه مجریه در تلقی اندیشمندان غربی مورد اشاره قرار گرفته، تفوق این قوه بر قوای مقننه و قضائیه می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).

سیاست جنایی اجرایی در حقیقت در ادامه سیاست جنایی تقنینی و قضایی در راستای یک سیاست جنایی ملی قرار دارد. به عبارت دیگر سیاست جنایی اجرایی نوعی سیاست است که از سوی دولت و قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور جهت تطبیق و اجرای سیاست‌های اتخاذ شده توسط سیاست جنایی تقنینی، در پیش گرفته می‌شود. در مفهوم مضیق سیاست دولت یا قوه‌ی مجریه در زمینه‌ی کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه‌ی قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد. در سطح بین‌الملل، با توجه به ساختار نظام‌های حاکم بر کشورها این مفهوم اجرایی و قابل درک می‌شود. بر این باور است که سیاست جنایی اجرایی ایران فراتر از دولت و قوه مجریه مورد استفاده در مفهوم مضیق می‌باشد. در نتیجه سازمان‌ها و نهادهای وابسته به سایر قوا نیز در این بخش فعالیت دارند.

نحوه اجرای تدابیر سرکوبگرانه یا پیشگیرانه علیه پدیده مجرمانه جایگاه خاصی در بین انواع سیاست جنایی دارد.

تشکیل ستادهای مختلف از جمله ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که در راستای فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب در مورخ ۸۰/۲/۱۰ برای مبارزه با مفاسد اقتصادی که با حضور روسا و معاونین سه قوه و با ریاست رئیس جمهور یا معاون اول وی ایجاد شده جلوه‌ای از سیاست جنایی اجرایی است هر چند که در مورد نحوه و میزان اثرگذاری این ستاد و جایگاه قانونی آن در برخورد با جرایم یقه سفیدی که با مفاهیمی چون مفاسد اقتصادی هم پوشانی دارد و بحث‌های چالش برانگیزی وجود دارد. که کارایی چنین تشکیلاتی را با ابهام بزرگ مواجه نموده است. همچنین یک سیاست جنایی اجرایی کارا و مؤثر آن هم در برخورد با جرایم یقه سفید که دارای ویژگی‌های خاص هستند نیازمند ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری ویژه‌ای است علاوه بر تقویت تقنین و انتخاب افراد سالم، شایسته در بدنه مدیریت اجرایی کشور این واقعیت را باید پذیرفت که بسیاری از برنامه‌های دانش مراجع نظارتی همچون دیوان

محاسبات و سازمان بازرسی و همچنین مراجع انتظامی چون پلیس، فاقد بنیان علمی کافی و نیروهای مشخص و بیشتر در خدمت پاسخ‌گویی به جرایم با ویژگی‌هایی چون ناامنی و امنیت و اخلاق عمومی است. بودجه عمده پلیس بیشتر در جهت کنترل مجرمین یقه آبی و امنیت عمومی کشور است. کسانی که با قهر و زور و غلبه به دنبال برهم زدن امنیت و نظم عمومی هستند و نگاه پلیس هم بالطبع با این سیاست جنایی امنیت‌گرا کوچک گردیده است و سیاست عمومی پلیس بیشتر مبارزه با مظاهر جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه امنیت عمومی است حال آنکه بحران موجود درخصوص جرایم یقه سفید در کشور این واقعیت را ملموس نموده که نهادهای تعقیب و کشف این گونه جرایم باید تقویت گردد.

۳-۴. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به عنوان یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی تعریف شده است یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد عوامل تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضاییه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی افزون بر رفع دل‌نگرانی مشوع در جهت بالا بردن کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند. (لازرژی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴-۱۲۳).

در کنار قانون و ابزارهای انتظامی و کیفری می‌توان از وسایل و ابزارهایی نام برد که نقش مهمی در اعمال سیاست جنایی داشته باشند. ابزارهای مهمی چون وسایل ارتباط جمعی (روزنامه، مجلات، صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی و...) سازمان‌های مردم‌نهاد و مساجد و انجمن‌ها و شورای شهر و شهرداری و مؤسسات عمومی غیردولتی. به عنوان ابزارهای اعمال سیاست جنایی کشور است که قابلیت استمداد و تاثیر گذاری مثبت را در روند سیاست جنایی هر جامعه دارد و در واقع می‌توان گفت جامعه مدنی در این سیاست گذاری به عنوان شریک فرآیند کیفری به رسمیت شناخته می‌شود.

با رشد فزاینده و روزافزون جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی به ویژه در حوزه جرایم یقه سفیدی که همواره مجرمین دنبال راهکارهای جدید و بدیع برای تحقق اهداف و اعمال مجرمانه خویش هستند و عدم کارآیی و کارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم در جامعه مشارکت شهروندان به عنوان تدبیری پیشگیرانه در کنار ساز و کارهای نظام عدالت قضایی از جمله مداخله در فرآیند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی، اقداماتی چون کیفرزدایی، جرم‌زدایی و قضازدایی،

مجازات‌های جایگزینی حبس و حتی نظریه تحدید مداخله نظام کیفری، در واقع متضمن توزیع و تفویض بعضی از صلاحیت و وظایف‌های نظام عدالت کیفری به نظام‌های حقوقی غیر کیفری و توسعه تشکل‌های مردمی به صورت سازمان یافته یا خودجوش است. شرکت دادن مردم در نظام عدالت کیفری و پیشگیری از بزهکاری، در واقع بر اساس همبستگی جامعه رسمی^۵ دولت - و جامعه غیر رسمی^۶ مردم و انجمن‌های مردمی - شکل می‌گیرد. این همبستگی سبب تراکم‌زدایی از سیستم قضایی و همزمان، افزایش کارایی و سرعت بخشی به عملکرد این سیستم از طریق واگذار کردن برخی از وظایف نظام عدالت کیفری به مردم می‌شود که ضمن چابکی در توسعه محور بودن دستگاه عدالت کیفری به کاهش هزینه‌های تحمیلی به نهادهای وابسته از جمله پلیس، زندان‌ها و نهادهایی چون سازمان بازرسی و دیوان محاسبات منجر می‌گردد. کما اینکه یکی از جلوه‌های تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی را برای اولین بار در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان ملاحظه نمود که قانونگذار به مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در تعقیب مجرمان اذعان نموده است. همچنین می‌توان به منشور حقوق شهروندی مصوب اعلامی رئیس جمهور در سال ۱۳۹۵ اشاره نمود که در ماده ۱۵ آن به حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش از جمله سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نموده و به حق اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف و تاکید بر رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان دولتی تاکید گردیده و همچنین به حق شهروندان در شکایت از تصمیمات نهادهای اداری صحنه گذارده و تصریح نموده است که حق شهروندان است که از دولتی برخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راستگویی، درستکاری، امانتداری، مشورت، حفظ بیت‌المال رعایت حق الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اقتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی شتاب‌زدگی، خودسری، فریب کاری، مخفیکاری و دستکاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات که خود بسیاری از مؤلفه‌های اثرگذار در جرم یقه سفیدی هستند اشاره و در ماده ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ به مشارکت مردم در نقد ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی و حق دسترسی به اطلاعات اذعان گردیده است. هر چند در ماده ۴۵ منشور مزبور به این موضوع که فعالیت‌های مدنی در حوزه حقوق شهروندی حق هر شهروند ایرانی است و سازمان‌های مردم نهاد نیز باید حق دسترسی به اطلاعات و دادگاه صالح را برای دادخواهی در مورد نقض حقوق شهروندی داشته باشند اما باید تاکید گردد ضمانت اجرای قانونی لازم برای عملی شدن مشارکت مردم در موضوعاتی که بالطبع در پیشگیری جرایم یقه سفیدی و کنترل آن در جامعه

پیش‌بینی نگردیده و چه بسا مشکلات اجرایی و عملی بسیاری در راستای تحقق آن پیش رو باشد لکن همین اقدام را نیز باید گامی برای تحقق جلوه‌ای جدید از مدل پیشگیری مشارکتی در کشور تلقی نمود.

نتیجه‌گیری

افزایش فزاینده ارتکاب جرایم یقه سفیدی در کشور بالحاظ اوصاف و ویژگی‌های خاص مجرمین و پیچیدگی جرایم حکایت فوق از عدم موفقیت و کارآیی سیاست جنایی در ایران در ابعاد مختلف اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی و مشارکتی می‌باشد. تردیدی نیست که کاهش و کنترل تعداد جرایم در هر جامعه در گرو شناخت عوامل موثر در بروز آن و دست یافتن به راه‌حل‌های صحیح و عملگرا جهت ریشه‌کن کردن و یا به حداقل رساندن آن پدیده است.

این تفکر که کیفر منهای زدودن عوامل جرم یقه سفید می‌تواند موجبات کنترل و پیشگیری از جرم باشد حتی خود ممکن است وسیله‌ای برای ازدیاد آن تبدیل شود.

جامعه به عوض اینکه هزینه دستگاه عدالت کیفری را برای تعقیب، دادرسی و نگهداری مجرمین یقه سفید در زندان‌ها را بپردازد باید تلاش نماید عوامل موثر زایش اینگونه جرایم را شناسایی و آن‌ها را به نوعی منهدم نماید. این امر نیاز به انجام اصلاحات اجتماعی، اقتصادی از یک سو واز بین بردن ضعف‌های سیستم کنترل درونی و بیرونی می‌باشد. مداخله بیش از اندازه دولت در مسائل اقتصادی، بزرگ شدن دولت، نظام اداری نامناسب و پیچیده، وجود رانت‌های مختلف در اثر تدوین قوانین جرم‌زا، فقدان نظام کنترل مناسب و پایدار در دولت و عدم تناسب تخصص‌های رایج ضابطین قضایی و ناکارآمد بودن و به روز نبودن برخی قوانین موجود و عدم تسری به گونه‌های خاص و نواز جرایم یقه سفیدی از جمله جرایم ارتكابی در بخش غیردولتی و خصوصی و همچنین کثرت مراجع قانونگذاری و تاثیر پذیری سیاست جنایی تقنینی از تفکرات سیاسی و اجتماعی در مقابله با بزهکاری یقه سفیدی و اجمال و ابهام مفهومی در جرم‌انگاری با ایده سرکوبگری و امنیت محوری و گاه‌ها تغییر ماهیت جرم به جرایم شرعی موید فاصله گرفتن از اصل قانون بودن جرایم و مجازات‌ها در رسیدگی به جرایم یقه سفید می‌باشد. در حقیقت دیدگاه امنیت‌مدارانه و مدل سیاست جنایی دولتی اقتداگرا که مبتنی بر مجازات‌هایی چون اعدام و حبس‌های طویل‌المدت است علاوه بر اینکه به کارآیی سیاست جنایی کشور در قبال جرایم یقه سفید منتهی نشده است بلکه این حقیقت را اثبات نموده که صرف اعمال مجازات سرکوبگرایانه نمی‌تواند ضامن موفقیت یک نظام عدالت کیفری گردد. در حقیقت در کنار

رهیافت پاسخ کیفری باید به موثرترین و پایدارترین و کم هزینه‌ترین راه حل‌ها که راهکارهایی ساختاری، بنیادی و پیشگیرانه غیر کیفری است نیز باید توجه نمود. بنابراین برای پیشرفت اساسی و مطمئن در کارآیی سیاست جنایی در کنترل جرایم یقه سفیدی باید تلاش برای درونی کردن شیوه‌های کنترلی در دولت و سازمان‌ها و شرکت‌ها و اعمال برنامه‌های کنشی به جای افزایش تعقیب و پیگرد و آن هم قبل از وقوع جرم و ورود آسیب و خسارت به بزه‌دیدگان و جامعه دانست که این امر نیازمند انسجام و هماهنگی قوه مقننه، قوه قضائیه و مجریه از یک سو و مشارکت دادن نهادهای مردمی و همچنین رسانه‌ها در نظارت و شفاف سازی جریان تعقیب، محاکمه و مجازات مطلوب و کارآمد مرتکبین از سوی دیگر و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم از طریق رسواسازی کسانی که تفکر ارتکاب جرم دارند را امری ضروری می‌نماید. این سیاست عمومی می‌تواند به نزدیکتر شدن سیاست جنایی پیشرو به سیاست جنایی مشارکتی در قبال جرایم یقه سفید منجر گردد. چنین وضعیتی می‌تواند ضمن تقویت اعتماد عمومی به دستگاه عدالت کیفری به انسجام و هماهنگی و بوجود آمدن یک برنامه ملی برای پیشگیری از جرایم یقه سفیدی که برخاسته از مطالعات و تحقیقات جرم شناختی، بزه‌دیده، شناختی، کارکرد سیاست کیفری و ارزیابی دوره‌ای برنامه‌های پیشگیری در چارچوب یک رویکرد میان قوه‌ای منسجم، هماهنگ و مشارکتی که همه ارکان حکومت و سازمان‌های مردم نهاد را درگیر مقوله پیشگیری نماید را ضروری می‌نماید و برخورد جزیره‌ای، ناهمگون و متعارض در تمام ابعاد سیاست جنایی باید جای خود را به یک سیاست ملی هماهنگ، عملگرا، چابک، روزآمد و فارغ از برخوردهای پوپولیستی و عوام‌گرایانه دهد تا این دیدگاه که یک برنامه موثر ملی در پیشگیری و کنترل و برخورد با جرایم یقه سفید در کشور وجود دارد تقویت و پایدار گردد.

فهرست منابع

- ۱- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۱) سیاست جنایی ایران در قلمرو قاچاق گمرکی، تهران، بیک صبا.
- ۲- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳)، تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- ۳- بنسون، مایکل، سیمپسون، سالی (۱۳۹۱)، جرایم یقه سفید رویکرد فرصت مدار، ترجمه اسماعیل رحیمی، تهران نشر میزان
- ۴- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰) جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه تهران
- ۶- جعفری، عباس (۱۳۹۰)؛ تعقیب مجرمان یقه سفید و چالش‌های آن، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴.
- ۷- دلمارس، مارتی (۱۳۹۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان..
- ۸- سیمپسون، سالی، دیزبرد، دیوید (۱۳۹۲) جرم‌شناسی جرایم یقه سفیدان، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۹- غلامی، محمد (۱۳۸۸)، تأثیر سیاست جنایی سرکوب گرانه بر نرخ ارتکاب جرم، مجله پژوهش - های حقوق اسلامی، شماره ۳۰.
- ۱۰- فرایرگ، آریه (۱۳۹۱)؛ تعیین مجازات بزهکاران یقه سفید، ترجمه اعظم مهدوی پور، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۵.
- ۱۱- کاشانی، سید محمود (۱۳۹۱)، بررسی رای پرونده فساد بزرگ بانکی، مجله کانون وکلا، شماره ۵۰.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۳- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵) سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر یلدا

۱۴- مارتینز، رنه (۱۳۸۲)؛ تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی، انتشارات مجید، چاپ اول.

۱۵- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۱) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان.

۱۶- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی حقوقی، تهران، نشر میزان.

۱۷- (۱۳۸۷) تقریرات حقوق کیفری اقتصادی، دوره کارشناسی

ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۸- وایت، راب، فیونا هینز (۱۳۹۰)؛ جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.

۱۹- Benson, m, l, simpon, s (۲۰۰۹), white collar crime: an opportunity

perspective, routledge press

۲۰- Braithwaite J, (۱۹۸۵), "white collar crime" pp. ۱-۲۵ r. h. tumer and J. F, short, Jr,

(Eds), annual review of sociology, palo alto, CA: annual reviews.

۲۱- freibery, Arie, (۲۰۰۱) sentencing white collar criminals, melborne, university of melborne.

۲۲- helken, David, (۲۰۰۰), white collar and corporate crime, London, oxford press.

۲۳- simpson, sally s, (۲۰۰۲), corporate crime, law and social control, New

York: Cambridge university press.

۲۴- weisburd, d, waring, E, with chayet, E (۲۰۰۱), white collar crime and criminal careers, Cambridge, UK: Cambridge university press.

سایت خبرگزاری:

۱- توکلی، احمد، سایت خبرگزاری تسنیم:

www.tasnimnews.com

۲- جعفری دولت آبادی، عباس، تعقیب مجرمان یقه سفید و چالش آن

www.alef.ir

۳- سراج، ناصر، موانع برخورد با یقه سفیدها، خبرگزاری ایلنا

www.ilna.ir

۴- محسنی اژه‌ای، غلامحسین، سایت خبرگزاری تابناک

www.Tabnak.ir

۵- نجفی توانا، علی، مجرمین یقه آبی، مجرمین یقه سفید، مجرمین یقه طلایی

www.vista.ir